

تاریخ و علوم قرآن در دوره معاصر (بررسی موردی تاریخ قرآن دکتر رامیار و تاریخ قرآن دکتر حجتی)

حسین خوشدل مفرد*
تاریخ دریافت: ۹۶/۰۹/۱۲ - تاریخ تأیید: ۹۷/۰۲/۰۹

چکیده

بررسی تاریخ علوم قرآنی در دوره معاصر ایران از اهمیت خاصی برخوردار است و شناخت آن می‌تواند راهگشای تحقیقات آتی علوم قرآنی به زبان فارسی باشد. بی تردید تاریخ قرآن دکتر رامیار و تاریخ قرآن دکتر حجتی در میان کتب فارسی تاریخ قرآن معاصر از جایگاه مهم و تأثیرگذاری برخوردار است. هر دو کتاب، کتاب سال جمهوری اسلامی شده و از منابع مهم دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری رشته علوم قرآنی هستند. از این رو در این مقاله برای درک جایگاه آثار و تحقیقات علوم قرآنی، این دو کتاب معرفی شده، و در زمینه‌های ساختاری و محتوایی با یکدیگر مقایسه شده‌اند.

مقایسه ساختاری و محتوایی دو کتاب نشان از امتیازات و ویژگی‌های برتر کتاب تاریخ قرآن دکتر رامیار نسبت به سایر کتب تاریخ قرآن و حتی تاریخ قرآن دکتر حجتی (که آخرین کتاب تاریخ قرآن است که عنوان کتاب سال را کسب کرده)، دارد؛ این مهم نشان می‌دهد که بعد از کتاب دکتر رامیار تحقیقات علوم قرآنی سیر صعودی نیچموده است. این امتیازات عبارتند از: استفاده از منابع بیشتر، نقل و نقد آراء مستشرقین، جمع بندی نظرات و اقوال دانشمندان علوم قرآن، دقت در نقل آراء و اقوال گوناگون، طرح مباحث تخصصی و علمی در هر موضوع، وجود جداول متعدد در خصوص ترتیب سوره قرآن.

واژگان کلیدی: تاریخ قرآن؛ دکتر رامیار؛ دکتر حجتی؛ علوم قرآنی.

* استادیار گروه معارف اسلامی، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران.

۱- طرح مسأله

کتاب تاریخ قرآن دکتر رامیار از نخستین کتب تاریخ قرآن به زبان فارسی است و از زمان اولین چاپ آن در سال ۱۳۴۶ تاکنون در محافل علمی و دانشگاهی تاثیرگذار و همواره مرجع محققین و پژوهشگران عرصه علوم قرآنی بوده است. در فاصله چاپ اول و دوم کتاب دکتر رامیار، که البته با تغییرات زیادی همراه بود، کتاب دیگری از سوی حجه الاسلام دکتر سید محمد باقر حجتی به محافل علمی عرضه شد که این کتاب نیز از جایگاهی ارزشمند در میان کتب علوم قرآنی برخوردار گشت. دکتر حجتی کتاب تاریخ قرآن دکتر رامیار را جزء منابع خود یاد کرده و فصول مشترک و مشابهی در هر دو کتاب به چشم می‌خورد. از سویی دیگر هر دوی این کتاب‌ها در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث تدریس شده و جزء منابع مهم این رشته محسوب می‌گردد و هر دو کتاب به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی برگزیده شده‌اند. (ظاهراً پس از این دو کتاب، هیچ کتاب دیگری در زمینه علوم و تاریخ قرآن عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی را کسب نکرده است.)

در نتیجه با توجه به اهمیت هر دو کتاب، در این مقاله برآنیم تا این دو کتاب مهم حوزه تاریخ قرآن که به زبان فارسی نگارش شده را بررسی و مقایسه نماییم و امتیازات هر یک بر دیگری را بر شماریم، تا نقاط ضعف و قوت تحقیقات معاصر در حوزه علوم قرآن و گستره موضوعات مطرح شده، مشخص گردد. برای دست یافتن به این مهم، هم جنبه محتوایی و هم ساختاری دو کتاب بررسی و مقایسه شده است. سؤال اصلی مقاله که قصد داریم در پرتو این بررسی به پاسخ آن دست یابیم، آن است که تحقیقات معاصر علوم و تاریخ قرآن در ایران چه امتیازات و نواقصی دارد؟ شایان ذکر است محدود شدن پژوهش حاضر به دو کتاب پیشگفته صرفاً از آن روست که این دو کتب تاثیرگذارترین کتب فارسی در چند دهه اخیر در زمینه علوم و تاریخ قرآن بوده است. قبل از آغاز بحث شایسته است نیم نگاهی به مفهوم تاریخ قرآن و تاریخچه تالیفات تاریخ قرآن داشته باشیم.

۲- مفهوم تاریخ قرآن و تاریخچه تالیفات مربوط به آن

برخی تاریخ قرآن را اصطلاح جدیدی مشتمل بر مجموعه‌ای از علوم قرآنی می‌دانند که درباره شناختن متن قرآن و سرگذشت آن و وحی و کتابت وحی و جمع و تدوین قرآن و یگانه شدن و رسمیت یافتن یک متن در زمان عثمان، تا تصحیح و طبع مصاحف معتبر در قرون جدید است.^۱ این که پیش از قرن حاضر، و در آثاری که قدما در زمینه علوم قرآنی نوشته‌اند، به اصطلاح و

۱. نک: جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۲: ۵۸/۱.

تعبیر تاریخ قرآن برنمی‌خوریم نشان می‌دهد وضع این اصطلاح از سوی قرآن‌شناسان غربی بوده است؛^۱ البته باید توجه داشت که نبودن اصطلاح با نبودن مباحث مربوط به آن فرق دارد و در عالم اسلام از همان صدر اول مباحث تاریخ قرآن وجود داشته است، چنانکه برای نمونه در صحیح بخاری، احادیثی درباره نحوه جمع و تدوین و کتابت قرآن و کاتبان وحی آمده است.^۲ به هر حال تاریخ قرآن به عنوان یک موضوع علمی در قرون نخست اسلامی امری مورد نیاز عالمان یا مورد پرسش جدی مطرح در جامعه نبوده است. از همین رو عالمان اسلامی بیشتر، اطلاعات کلی و اندک خود در باب جوانب مختلف تاریخ قرآن را در مقدمه‌های تفاسیر خود گنجانده‌اند (برای نمونه می‌توان به مقدمه‌ی تفسیر الجامع لاحکام القرآن اشاره کرد^۳)؛ اما درباره اینکه چرا تاریخ قرآن بیشتر از سوی مستشرقان پی‌گیری شده است می‌توان چند عامل مهم را برشمرد؛ مانند آنکه توجه به تاریخ علوم و سیر تحول مفاهیم در میان غربیان بسیار بیشتر از مسلمانان و شرقیان است. از سویی دیگر در نگاه ایشان، متن قرآن مقدس نیست و طبیعی است که چنین اثری از نگاه محقق غربی تاریخ‌مند و دارای سرگذشت است.

بر اساس آنچه بیان شد، توجه به تاریخ قرآن و پژوهش در باره آن، نخستین بار در غرب انجام گرفت. با بررسی پیشینه این موضوع در غرب به کتاب تاریخ قرآن نلدکه می‌رسیم. نلدکه برای اولین بار نام کتابش را «تاریخ قرآن» نهاد و آن را در سال ۱۸۶۰م انتشار داد. چاپ‌های بعدی این اثر به کمک و همکاری دانشمند دیگری به نام شوالی، در سال ۱۹۰۹ انتشار یافت. برای آشنایی با روش کار نلدکه بهترین منبع مقدمه کتاب تاریخ قرآن او است.^۴

بعد از نلدکه، دانشمندان متعددی در غرب به نگارش کتب مستقل درباره تاریخ قرآن پرداختند و یا در مقدمه ترجمه‌های خود مباحث ارزشمندی در باب تاریخ قرآن مطرح کردند. به عنوان مثال رژی بلاشر، (خاورشناسان فرانسوی که در شیوه پژوهش از نلدکه اثر پذیرفته و دیدگاه‌های او در زمینه تاریخ قرآن در دو اثرش با عنوان در آستانه قرآن و درآمدی بر قرآن آمده است)، ویلیام مویر

۱. برخی محققان، قدمت کتب تاریخ قرآن را به قرون اولیه برگردانده و نخستین کتاب با عنوان تاریخ القرآن را نوشته ابوالعباس مروزی (م ۲۷۴ ق) دانسته‌اند (زرکشی، ۱۴۰۸: ۳۲۶/۱) گر چه محققان علوم قرآن در این امر به استناد پسوند نام این کتاب در الفهرست ابن ندیم (ابن ندیم، ۱۳۹۳: ۱۶۷) تردید کرده اند. (مهودی راد، ۱۳۸۴: ۲۲۹).

۲. نک: بخاری، ۱۳۸۶: ۵/۵۸۳.

۳. نک: قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۰.

۴. نک: نلدکه، ۲۰۰۰: ۱۳.

(خاورشناس اسکاتلندی که کتاب قرآن، ساختار، آموزه‌ها و گواهی‌اش بر کتب مقدس را در سال ۱۸۷۸ میلادی منتشر ساخت) و کارل بروکلمان (خاورشناس آلمانی که باب دوم از کتاب تاریخ الادب العربی را به تاریخ قرآن اختصاص داد) از این افرادند.

در جهان اسلام نیز برخی از مهمترین کتاب‌هایی که با نام تاریخ قرآن نوشته شده، تحت تأثیر نلدکه، و دیگر محققان غربی بوده‌اند و البته در اغلب آن‌ها نگاه‌های انتقادی به دیدگاه‌های غربیان یافت می‌شود. اولین کتاب و قدیمی‌ترین اثر اسلامی در موضوع تاریخ قرآن به معنای امروزی را باید از آن ابوعبدالله زنجانی (۱۳۶۰ق) دانست. وی تاریخ القرآن خود را نخستین بار در قاهره منتشر کرد. نوشته زنجانی در زمانی انتشار یافت که در جهان اسلام و عرب کتاب مستقلی در این موضوع تألیف نشده بود. از همین رو، این کتاب ساده و کم حجم تأثیر زیادی بر نوشته‌های بعدی گذارد و حتی احمد امین در مقدمه‌ای که در همان چاپ نخست بر این کتاب نوشته، از زنجانی و کتابش به بزرگی یاد می‌کند (زنجانی، ص ۳، ح، ط). بعد از زنجانی، محمد عبدالله دراز و صبحی صالح را باید از نخستین پیشگامان توجه به موضوع تاریخ قرآن در جهان عرب به شمار آورد. در قدم بعدی، عبدالصبور شاهین (۲۰۱۰-۱۹۲۸) را باید مؤلف مهم‌ترین کتاب تاریخ قرآن دانست. کتاب وی با عنوان تاریخ القرآن، حاوی مهم‌ترین مباحث رایج در باب تاریخ قرآن همراه با نقل قول‌های مکرری از نلدکه است.

در میان شیعیان نیز دو مفسر نامدار یعنی علامه طباطبایی و آیه الله خویی در آثار تفسیری خود به برخی مباحث تاریخ قرآن پرداخته‌اند. آیه الله خویی در البیان فی تفسیر القرآن، مدخل مفصلی به مباحث تاریخ قرآن از جمله جمع قرآن، حدیث احرف سبعة، موضوع تحریف قرآن، قراء و قرائات، و مسئله نسخ اختصاص داده است. علامه طباطبایی نیز در تفسیر گرانسنگ المیزان و در برخی آثارش مانند قرآن در اسلام به این موضوع پرداخته است. واضح است که هر دو کتاب یاد شده به زبان عربی نگارش یافته است.

اندکی بعد از تلاش‌های جهان عرب نوبت به کتب تاریخ قرآن به زبان فارسی می‌رسد. ابتدا دکتر محمود رامیار^۱ بود که نخستین تاریخ قرآن را در زبان فارسی نوشت. تاریخ قرآن دکتر رامیار، نخست بار در سال ۱۳۴۶ انتشار یافت و در سال ۱۳۶۲، با تجدید نظر و افزایش بسیار، با حجمی بیش از دو برابر حجم اول در دسترس قرآن پژوهان قرار گرفت. این چاپ فهرست‌های موضوعات، آیات، سوره‌ها، اشخاص و قبایل، امکنه و مؤسسات، کتاب‌ها (منابع و ماخذ)، غزوات (جنگ‌ها)،

۱. برای شرح احوال و آثار رامیار رک: طباطبایی، ۱۳۸۳: ۱۳۳.

تصاویر و کتابنامه را نیز در بردارد. کتاب تاریخ قرآن رامیار در دومین کتاب سال جمهوری اسلامی بهترین کتاب شناخته شد و با استقبال و تحسین اهل دانش روبه رو گشت.^۱

در فاصله چاپ نخست و دوم این کتاب، کتاب پژوهشی در تاریخ قرآن تألیف دکتر محمد باقر حجتی منتشر شد. این کتاب در یک جلد و ۶۲۸ صفحه انتشار یافت و بارها تجدید چاپ شده است. با توجه به جامعیت این دو کتاب تقریباً تمام آثار منتشر شده بعدی (به زبان فارسی) از آن دو متأثر بوده و یا اینکه کما بیش دیدگاه‌های مشابهی درباب حوزه‌های مختلف تاریخ قرآن مطرح می‌کنند. از این رو با بررسی و مقایسه ساختاری و محتوایی این دو کتاب، می‌توان به تاریخچه‌ای مختصر از احوال تالیفات علوم و تاریخ قرآن به زبان فارسی پی برد.

۳- مقایسه ساختار و فهرست دو کتاب تاریخ قرآن دکتر رامیار و دکتر حجتی

به نظر می‌رسد در مقایسه ساختار فهرست دو کتاب و مطالبی که به آن پرداخته‌اند، ساختار و نظمی که دکتر رامیار آورده از منطق و اسلوب بهتری برخوردار است و انسجام بیشتری را نشان می‌دهد. دلیل این ادعا با مروری بر فصل‌های کتاب دکتر رامیار و مقایسه آن با فصول کتاب دکتر حجتی به دست می‌آید.

فهرست کتاب تاریخ قرآن دکتر رامیار:	فهرست کتاب تاریخ قرآن دکتر حجتی:
فصل اول: گامی کوتاه و لرزان به پیشگاه قرآن	فصل اول: عناوین و اسامی قرآن.
فصل دوم: نام‌های قرآن	فصل دوم: وحی الهی
فصل سوم: آغاز وحی	فصل سوم: نزول قرآن کریم
فصل چهارم: چگونگی وحی	فصل چهارم: آیه
فصل پنجم: در مدار وحی	فصل پنجم: سوره
فصل ششم: نزول قرآن	فصل ششم: فواتح سور و حروف مقطعه
فصل هفتم: تألیف قرآن در زمان رسول خدا	فصل هفتم: تعداد حروف و کلمات قرآن
فصل هشتم: جمع قرآن در زمان ابوبکر	فصل هشتم: مقدمه‌ای بر نگارش قرآن
فصل نهم: مصاحف همزمان ابوبکر	فصل نهم: پیامبر امی
فصل دهم: در زمان عمر	فصل دهم: نگارش قرآن
فصل یازدهم: یکی کردن مصاحف در زمان عثمان	فصل یازدهم: جمع و تدوین قرآن
فصل دوازدهم: خط قرآن	فصل دوازدهم: قرائت قرآن
فصل سیزدهم: اعجام و نقطه گذاری	فصل سیزدهم: منشاء اختلاف قرائت
فصل چهاردهم: آیه‌ها و سوره‌ها	فصل چهاردهم: قاریان قرآن کریم

فصل پانزدهم: مکی و مدنی در قرآن	فصل پانزدهم: جمع و تدوین قرآن پس از رحلت پیامبر
فصل شانزدهم: سبب نزول	فصل شانزدهم: جمع و نگارش قرآن زمان ابی بکر
فصل هفدهم: ترجمه قرآن	فصل هفدهم: جمع آوری قرآن در زمان عثمان
ملحقات	فصل هیجدهم: اصلاح شیوه نگارش قرآن

همانگونه که از فهرست دو کتاب مشخص است دکتر رامیار ابتدا با نام‌های قرآن و موضوع وحی و آغاز وحی، شروع کرده و تا موضوع ترجمه قرآن که یک موضوع امروزی و به روز است می‌رسد؛ اما در کتاب دکتر حجتی، نظم مناسبی دیده نمی‌شود. در فهرست کتاب دکتر حجتی، اگر چه ابتدا اسامی و نام‌های قرآن و وحی آمده (که به نظر می‌رسد یک نوع الگو برداری از تاریخ قرآن دکتر رامیار بوده است) اما در ادامه یک نوع بهم ریختگی در فهرست ایشان دیده می‌شود؛ مثلاً در فصول مختلف به موضوع نگارش قرآن پرداخته شده است، در حالی که می‌توانست تمامی مطالب مرتبط با آن در یک فصل بیاید (در فصل هشتم به مقدمه ای بر نگارش قرآن در زمان پیامبر گرامی اسلام (ص) پرداخته شده و در فصل دهم به موضوع نگارش قرآن اشاره شده است) و یا موضوع جمع و تدوین قرآن به صورت پراکنده آمده است (مثلاً در فصل یازدهم، جمع و تدوین قرآن آمده و در فصل پانزدهم درباره جمع و تدوین قرآن پس از پیامبر گرامی اسلام (ص)، بحث شده است). به هر روی، نظم کتاب دکتر رامیار بر اساس مطالعه فهرست آن بیشتر از کتاب دکتر حجتی به نظر می‌آید.

از سویی دیگر، مشخص است که دکتر رامیار به چند موضوع پرداخته که دکتر حجتی آن را نیاورده است. این موضوعات عبارتند از معرفی مصاحف صحابه، ترجمه قرآن و سبب نزول آیات. دکتر حجتی نیز به دو موضوع حروف مقطعه و قرائت قرآن پرداخته که دکتر رامیار آن را نیاورده است.

بی شک نپرداختن هر یک به موضوعات اختصاصی دیگری، نقصی برای آن به شمار می‌آید. قطعاً معرفی مصاحف صحابه در موضوع تاریخ قرآن از اهمیت زیادی برخوردار است که دکتر حجتی به آن نپرداخته است. البته دکتر حجتی در لابلای مباحث مربوط به جمع و تدوین قرآن در زمان خلفاء، به اختصار به برخی از مصاحف نسبتاً مشهور مانند مصحف ابی بن کعب، اشاره کرده اما دکتر رامیار، مصاحف متعدد صحابه را معرفی کرده است. دکتر رامیار، فصل نهم را به مصاحف همزمان با ابوبکر اختصاص داده و مصحف بیست نفر از صحابه را معرفی کرده است.

موضوع مهم دیگری که دکتر حجتی به آن نپرداخته است موضوع ترجمه قرآن است. موضوع ترجمه در تاریخ قرآن از اهمیت بسزایی برخوردار است. دکتر رامیار، در اهمیت بحث ترجمه، مطالب

مهمی ذکر می‌کند.^۱ ایشان در ادامه به موضوع اینکه آیا ترجمه قرآن جایز است یا نه، می‌پردازد و نظر دانشمندان و شرایط ترجمه مطلوب را بازگو می‌کند. معرفی ترجمه‌های اروپایی پایان بخش این فصل از کتاب دکتر رامیار است. به هر حال نپرداختن به موضوع ترجمه در تاریخ قرآن دکتر حجتی مشهود است.

آخرین مطلبی که دکتر رامیار به آن پرداخته اما دکتر حجتی به آن اشاره نکرده موضوع سبب نزول است. بحث سبب نزول یک بحث کاملاً تاریخی است و نیاوردن آن در کتاب تاریخ قرآن مناسب به نظر نمی‌رسد. بهتر بود که دکتر حجتی که خود اسباب النزول سیوطی را ترجمه کرده، بخشی از کتابش را به این مهم اختصاص می‌داد.

پس از پرداختن به کاستی‌های فهرست دکتر حجتی، هم اکنون نوبت پرداختن به کاستی‌های فهرست دکتر رامیار است. همانگونه که گفتیم به نسبت کتاب دکتر حجتی، ایشان دو بحث را نیاورده است، یکی بحث قرائات و دیگری بحث فواتح سور. قطعاً پرداختن به موضوع قرائات در بحث تاریخ قرآن اهمیت بسزایی دارد و تاریخچه مفصل علم قرائت می‌طلبد که در کتاب تاریخ قرآن، مطالبی از آن بیان شود که دکتر رامیار به آن نپرداخته است.

بحث دیگری که در تاریخ قرآن دکتر حجتی وجود دارد و دکتر رامیار به آن نپرداخته، موضوع فواتح سور است (حتی تاریخ قرآن نولد که نیز به این مهم پرداخته است). دکتر حجتی نظرات مختلف درباره فواتح سور را مطرح کرده و حتی نظر مستشرقین را آورده است و از این نظر بر تاریخ قرآن دکتر رامیار برتری دارد.

آخرین نکته ای که در بحث مقایسه ساختاری و فهرست دو کتاب لازم است بیان شود، آن است که هر دو کتاب در این زمینه نقص‌هایی دارند. یکی از این موارد آن است که هیچکدام از دو مولف ابتدا به موضوع تاریخ قرآن و مفهوم و تاریخچه آن نپرداخته‌اند. اگر چه دکتر حجتی در مقدمه چاپ دوم به بحث تاریخ قرآن و کوشش محققین و به ویژه مستشرقین در این باره پرداخته اما جای خالی یک بحث مستقل در هر دو کتاب دیده می‌شود. همانگونه که پیشتر اشاره شد موضوع تاریخ قرآن و عناوین کتاب‌هایی که در این زمینه نوشته شده، بسیار دامنه دار و مفصل است اما دو مولف به سادگی از کنار آن گذشته‌اند. این مهم زمانی بیشتر جلوه می‌کند که مشخص می‌شود هر دو کتاب از آراء و نظرات مستشرقین به کرات استفاده کرده‌اند. و یا اینکه هیچکدام

۱. نک: رامیار، ۱۳۸۰: ۶۴۵.

بحث کامل و مستقلی به موضوع مهم و تأثیرگذار ناسخ و منسوخ اختصاص نداده‌اند. موضوع مهم دیگری که جای خالی آن در هر دو کتاب دیده می‌شود بحث سیر و تاریخچه چاپ و نشر قرآن در کشورهای مختلف است که در موضوع تاریخ قرآن، قبل از ترجمه قرآن می‌توانست مطرح شود.

۴- مقایسه تعداد منابع مورد استفاده دو کتاب

با شمارش منابع مورد استفاده در هر دو کتاب که در بخش فهرست منابع آمده است، به غنای هر دو کتاب در زمینه استفاده از منابع کهن پی می‌بریم. همچنین مشخص می‌شود تحقیقات معاصر از چه منابعی و به چه میزان بهره گرفته‌اند و به عنوان مثال سهم منابع مستشرقین چه مقدار است.

هر دو کتاب از منابع مهم و دست اول علوم قرآنی در نگارش کتاب خود بهره گرفته‌اند. با این وجود از لحاظ کمی دکتر حجتی ۱۴۶ منبع را ذکر کرده است؛ اما دکتر رامیار ۳۶۳ منبع را آورده که از این تعداد ۹۸ منبع لاتین است. این حجم زیاد منابع نشان می‌دهد که دکتر رامیار چه تلاش و کوشش گسترده‌ای برای نگارش کتابش به کار برده است و همانگونه که قبلاً بیان شد یکی از امتیازات مهم کتاب دکتر رامیار، استناد به منابع متعددی است که مولف محترم در طی سال‌ها به جمع‌آوری و نقل مطالب از آن همت گماشته است. استفاده بیشتر دکتر رامیار از منابع مستشرقین نیز با بررسی فهرست منابع هر دو کتاب مشهود است. همین ویژگی موجب شده تا نقل و نقد آراء مستشرقین نمود بیشتری در کتاب دکتر رامیار داشته باشد و از آن، کتاب به‌روزتری به نمایش بگذارد. اشاره به آراء بلاشر، نلدکه و دیگران بارها در این کتاب آمده است.

در ادامه به مقایسه تعدادی از فصول مشترک هر دو کتاب می‌پردازیم تا نقاط قوت و ضعف هر کتاب بر دیگری مشخص شود. واضح است که پرداختن به تمام فصول مشترک با توجه به حجم نسبتاً زیاد آن کاری بس دشوار و خارج از صفحات محدود مقاله است. از این رو صرفاً چند فصل انتخاب شده و با یکدیگر مقایسه می‌شود.

۵- مقایسه بخش «عناوین و اسامی قرآن کریم»

همانگونه که بیان شد هر دو کتاب با بخش عناوین و اسامی قرآن کریم شروع می‌شود، اگر چه بهتر بود ابتدا به موضوع وحی الهی و چگونگی آغاز وحی پرداخته می‌شد و موضوع نام‌ها و عناوین قرآن در جای مناسب‌تری می‌آمد. به هر حال با مقایسه این بخش می‌توان میزان پرداختن هر دو مولف به یک موضوع مشترک و همچنین کیفیت مباحث مطرح شده را مقایسه کرد.

دکتر حجتی در خصوص عناوین و اسامی قرآن کریم به اختصار مطالبی را آورده است (۵ صفحه). ایشان تنها به پنج نام قرآن پرداخته و توضیحاتی درباره آن‌ها داده است.^۱ دکتر حجتی پس از توضیحی که درباره هر یک از اسامی می‌دهد می‌نویسد: این اسامی و عناوین از نام‌های شایع و معروف قرآن است، ولی گروهی از دانشمندان در تعداد نام‌های قرآن دچار مبالغه شده‌اند، شیخ طاهر جزیری در کتاب «التبیان» خود آورده است که حرآلی، اسامی قرآن را به نود و اندی رسانده است و نیز سیوطی به نقل از کتاب «البرهان» زرکشی می‌نویسد: قاضی شیدله، پنجاه و پنج نام برای قرآن یاد کرده است که عبارتند از: کتاب، مبین، قرآن، کریم، نور، هدی، رحمه، فرقان، شفاء، موعظه، ذکر، مبارک، مرفوعه، علی، حکمه، حکیم، مبین، حبل، مطهره، صراط، مستقیم، قیم، قول، فصل، نبأ، احسن الحدیث، مثنی، متشابه، تنزیل، روح، وحی، عربی، بصائر، صحف، بیان، علم، حق، مکرمه، هادی، عجب، تذکره، عروه الوثقی، صدق، عدل، امر، منادی، بشری، مجید، نور، بشیر، نذیر، عزیز، بلاغ و قصص.^۲

قبل از آغاز مقایسه این بخش با تاریخ قرآن دکتر رامیار باید بگوییم که دکتر حجتی در نقل از سیوطی و گفتار قاضی شیدله اشتباه کرده است. اول آنکه اسامی مبین و نور هر کدام دو مرتبه آورده شده است، دیگر آنکه صراط مستقیم به صورت جداگانه «صراط، مستقیم» آمده است، در نتیجه چهار اسم در الاتقان سیوطی هست که در کتاب حجتی ذکر نشده که عبارتند از: «کلام، مصدق، مهیمن، زبور»، به عبارت دیگر دکتر حجتی در نقل قول خود از کتاب الاتقان سیوطی^۳ اشتباه کرده است. البته اشتباهات دیگری نیز در کتاب دکتر حجتی وجود دارد که پرداختن به تمام آن در این مجال نمی‌گنجد. به عنوان مثال در صفحه ۱۴۰ این کتاب به جای آنکه بنویسد تعداد آیات قرآن ۶۲۲۰ عدد است، نوشته شده تعداد کلمات قرآن ۶۲۲۰ عدد است و یا نمونه دیگر آن مربوط به صفحه ۳۸۹ است که قسمتی از متن آیه ۲۳۴ بقره به اشتباه درج شده است.

به هر روی دکتر رامیار بسیار مفصل تر از دکتر حجتی به موضوع نام‌های قرآن پرداخته است (۲۴ صفحه). ایشان ابتدا به موضوع نخستین نام قرآن اشاره کرده و می‌نویسد: از فحوای عبارات اخبار و احادیث چنین فهمیده می‌شود که نام اولی که پس از رحلت رسول اکرم (ص)، بر مجموعه آیات الهی نهاده‌اند؛ ظاهراً مصحف بوده است (رامیار، ۹). بی تردید پرداختن به نخستین نام قرآن

۱. نک: حجتی، ۱۳۶۰: ۲۳.

۲. نک: حجتی، ۱۳۶۰: ۲۵.

۳. نک: سیوطی، ۲۰۰۰: ۸۸/۱.

در کتاب تاریخ قرآن ضروری است و از این نظر تاریخ قرآن دکتر رامیار بر کتاب تاریخ قرآن دکتر حجتی برتری دارد.

تفاوت دیگر کتاب دکتر رامیار با کتاب دکتر حجتی در آن است که دکتر رامیار علاوه بر ریشه شناسی نام‌های قرآن در کتب لغت عرب و اشعار جاهلی به ریشه این کلمات در سایر زبان‌ها پرداخته و در صورتی که این نام‌ها ریشه غیر عربی داشته‌اند به آن اشاره کرده است؛ به عنوان مثال در بحث «نام قرآن» می‌نویسد: نخستین بار نولدکه در تاریخ قرآن خود معتقد بود که کلمه (إقرأ) در صدر سوره علق به معنی تبلیغ کن و وعظ کن آمده است، بعد رژی بلاشر آن را تأیید کرد که معنای اولیه قرآن تبلیغ بوده و اندک اندک مردم عادت کردند که این کلمه را به معنای کتاب محتوی تبلیغ به کار ببرند... خلاصه کلمه (قرء) به معنی (خواند) را عربی اصیل ندانسته و آن را کلمه عربی شده از سریانی و یا عبرانی می‌دانند. زیرا کلمه «قریانا» در این زبان‌ها به معنی قرائت، خواندنی و خوانده شده، آمده و قرائت با تدریس کتب مقدسه در کلیساها را قریانا می‌گفته‌اند.^۱

همانگونه که واضح است و با مطالعه بخش نام‌های قرآن در تاریخ قرآن دکتر رامیار دیده می‌شود، ایشان بارها نظر مستشرقین را درباره اسامی و نام‌های قرآن آورده و به منابع متعددی نسبت به تاریخ قرآن دکتر حجتی ارجاع داده است.

نکته مهم دیگر آن است که دکتر حجتی صرفاً به ذکر اقوال گوناگون بسنده کرده و نتیجه گیری نمی‌کند. مثلاً در اینکه کلمه قرآن چه مبدأ اشتقاقی دارد، صرفاً اقوال شافعی، لحنی، اشعری و فرآء را آورده و از آن ردّ شده است و اظهار نظری نکرده است؛ اما دکتر رامیار پس از ذکر اقوال گوناگون می‌نویسد: پس در میان همه این آرای مختلف، رأی که بیشتر قابل قبول به نظر می‌رسد همان است که لحنی گفت. اسم فعل یا مصدری است به معنی اسم مفعول (از باب اطلاق مصدر بر مفعولش)؛ قرآن از ریشه قرء به معنی خوانده و یا خواندنی است.^۲

دکتر رامیار در مجموع به اسامی قرآن، فرقان، کتاب، ذکر و حکمت، اشاره کرده است که تا حدودی با نام‌های مورد توجه دکتر حجتی مشابهت دارد و همانند دکتر حجتی تنها به ذکر نام‌های دیگر قرآن که شهرت کمتری دارد، اکتفا کرده است.

۱. نک: رامیار، ۱۳۸۰: ۱۹.

۲. نک: رامیار، ۱۳۸۰: ۲۱.

نقص دکتر رامیار در این بخش نسبت به دکتر حجتی آن است که ایشان همه اوصاف قرآن را با عنوان نام‌های قرآن بر شمرده است، حال آنکه تردیدی در آن نیست بسیاری از مواردی که ایشان در پایان این بخش به آن‌ها اشاره کرده صرفاً اوصافی از قرآن است و کاربرد آن‌ها در خود قرآن نمی‌تواند دلیل آن باشد که اسم و نام قرآن به شمار آیند.

به هر حال در مجموع به نظر می‌رسد با مطالعه این بخش در هر دو کتاب، باید به محققانه بودن کتاب تاریخ قرآن دکتر رامیار اذعان کرد. استفاده از منابع متعدد، استشهاد به اشعار جاهلی و کتب تاریخ، ریشه یابی دقیق کلمات، ارائه دقیق آمار از کاربرد نام‌های قرآن، برخی از ویژگی‌های کتاب دکتر رامیار نسبت به کتاب دکتر حجتی در این بخش است.

۶- موضوع «وحی» در دو کتاب

هر دو مولف پس از طرح موضوع عناوین و اسامی قرآن به موضوع وحی و چگونگی آن پرداخته‌اند. همانگونه که بیان شد به نظر می‌رسد مناسب تر بود ابتدا این مبحث مطرح و در ادامه به عناوین قرآن پرداخته می‌شد؛ زیرا قرآن و به تبع آن اسامی و عناوینش، نتیجه و ماحصل وحی الهی است.

دکتر حجتی، موضوع وحی الهی را با معنای لغوی وحی و کاربردهای قرآنی آن، آغاز کرده است؛ ایشان هفت معنا را برای وحی بر می‌شمرد. در ادامه ایشان، به چگونگی وحی رسالی و کیفیت نزول وحی پرداخته و با استناد به آیات و احادیث متعدد این موضوع را توضیح داده است. در پایان این بخش نیز ایشان به اختصار تاریخچه نسبتاً کوتاهی درباره نزول وحی بر پیامبر اسلام (ص)، آورده است.

در مقابل دکتر رامیار در سه فصل با تفصیل بیشتری به موضوع وحی و چگونگی آن پرداخته است. ایشان ابتدا به آغاز وحی و گوشه گیری‌های پیامبر(ص) در غار حراء می‌پردازد و با استفاده از کتب متعدد تاریخی، مطالب ارزنده‌ای در خصوص تاریخ زندگی پیامبر(ص) قبل از بعثت مطرح می‌نماید.

پرداختن به حنفاء و عقایدشان و همچنین واژه حنیف از دیدگاه مستشرقین، مباحث دیگری است که در ادامه و به دلیل ارتباط با موضوع تاریخ زندگی پیامبر قبل از بعثت، به آن پرداخته شده است. دکتر رامیار چگونگی آغاز وحی را با موضوع رویای صادق پیامبر (ص)، شروع می‌کند و به

حدیث مشهوری که در کتب اهل سنت آمده و نشان از تزلزل و اضطراب پیامبر(ص) در آغاز وحی داشته، اشاره می‌کند.^۱ دکتر حجتی نیز به همین موضوع تردید و نگرانی پیامبر (ص) هنگام بازگشت به خانه اشاره می‌کند.^۲

عدم توجه هر دو مولف به نقدهایی که به این حدیث شده از نواقص هر دو کتاب است. علامه طباطبایی در این باره می‌نویسد نبوت و رسالت ملازم با یقین و ایمان صد در صد شخص پیغمبر و رسول است، و او قبل از هر کس دیگر، یقین به نبوت خود از جانب خداوند دارد.^۳ علاوه بر آن آیات اولیه سوره علق هیچ نشانی از اضطراب پیامبر (ص) ندارد و در هیچ جای دیگر قرآن نیز به چنین مطلبی اشاره نشده است. به هر روی شایسته بود که هر دو مولف، به نقدهایی که بر این روایت و امثال آن شده، اشاره می‌کردند.

دکتر رامیار در ادامه مباحث خود به «واسطه وحی» یعنی جبرئیل می‌پردازد و با تفصیل نسبتاً زیادی از آیات و روایات در مورد این فرشته مقرب الهی توضیح می‌دهد (دکتر حجتی مطلب بسیار مختصری درباره جبرئیل آورده است).^۴ سپس به چگونگی وحی و ماهیت آن می‌پردازد و با مقایسه وحی در میان یهودیان و مسیحیان و اسلام به شکل دقیق و علمی به تشریح و چستی وحی پرداخته است.^۵

پرداختن به موضوع حدیث قدسی و فرق آن با قرآن موضوع دیگری است که اگر چه استطرادی مطرح شده، اما در جای مناسب خود آمده است. در میان مباحث متعدد دیگری که دکتر رامیار در خصوص موضوع وحی آورده است، پرداختن به شبهات مستشرقین حائز اهمیت است و ضرورت وجود آن در یک کتاب تاریخ قرآن واضح و روشن است. ایشان در این باره فصلی را با عنوان معلمان موهوم آورده و نشان داده که مستشرقین چه کسانی را معلم پیامبر(ص) می‌دانسته‌اند.^۶

۱. نک: رامیار، ۱۳۸۰: ۵۳.

۲. نک: حجتی، ۱۳۶۰: ۳۶.

۳. نک: طباطبایی، ۱۳۷۴/۲۰: ۵۵۷.

۴. نک: رامیار، ۱۳۸۰: ۵۷.

۵. نک: رامیار، ۱۳۸۰: ۸۳.

۶. نک: رامیار، ۱۳۸۰: ۱۳۱.

مباحث پایانی دکتر رامیار، به تحلیل دقیق علمی و فلسفی درباره ماهیت وحی می‌پردازد و مطالب تا حدودی تخصصی را مطرح می‌نماید. ایشان به عقل فعال و عقول عشره در نگاه فلاسفه پرداخته و دیدگاه متکلمین را نیز درباره وحی آورده است.^۱

جمع‌بندی مقایسه دو فصل مشترک وحی در دو کتاب دکتر رامیار و دکتر حجتی، بیانگر آن است که دکتر رامیار بسیار محققانه و با موشکافی‌های عالمانه به این موضوع پرداخته است؛ اما دکتر حجتی بیشتر مطالبی را که مناسب عموم جامعه است مطرح می‌کند. به عبارت دیگر دکتر رامیار در این بخش نگاه کاملاً تخصصی دارد که شاید برای اهل علم بیشتر مفید باشد.

۷- بخش «معنای آیه» در دو کتاب

دکتر رامیار در بخش چهارم، به معنای آیه‌ها و سوره‌ها پرداخته و در این بخش مطالب گوناگونی مانند معنی آیه، نخستین آیه، ترتیب آیات و همچنین معنی سوره‌ها، اقسام سوره‌ها، مکی و مدنی بودن آن‌ها و اشاره ای به کار مستشرقان را آورده است. نسبت به دسته بندی و فهرستی که دکتر حجتی ارائه کرده، به نظر می‌رسد دکتر رامیار، تقسیم‌بندی منظم تری، ارائه داده است، زیرا دکتر حجتی به موضوع آیات و سوره در سه بخش پرداخته است؛ در بخش سوم (نزول قرآن)، در بخش چهارم (آیه) و بخش پنجم (سوره)؛ ایشان به موضوع نخستین آیاتی که بر پیامبر خدا (ص) نازل شده در بخش سوم پرداخته و بعد از آن به معنا و مفهوم آیه در بخش چهارم پرداخته است. علاوه بر آن مکی و مدنی بودن سوره‌ها را در بخش چهارم که مربوط به آیه است، اشاره کرده است، به عبارت دیگر یک نوع بهم ریختگی در دسته بندی دکتر حجتی نسبت به دکتر رامیار دیده می‌شود.

دکتر رامیار در خصوص معنای آیه در لغت، ۷ معنا ذکر کرده است.^۲ اما دکتر حجتی تنها به سه معنای آن اشاره کرده است.^۳ البته مقصود دکتر حجتی استقصا نبوده، به همین دلیل تنها به برخی از معانی اشاره می‌کند.

۱. نک: رامیار، ۱۳۸۰: ۱۴۲.

۲. نک: رامیار، ۱۳۸۰: ۵۵۰.

۳. نک: حجتی، ۱۳۶۰: ۶۳.

دکتر رامیار، در ادامه به بحث‌های تخصصی تری در خصوص آیه می‌پردازد و درباره وزن «آیه» مطالبی را آورده است.^۱ سپس، به موضوع ریشه کلمه «آیه» و اینکه آیا عربی است و یا جزء لغات بیگانه است می‌پردازد. اما دکتر حجتی، هیچکدام از این مباحث را نمی‌آورد و بلافاصله پس از معنای لغوی به معنای اصطلاحی پرداخته است.^۲

در خصوص شناسایی آیات قرآن و اینکه چگونه تشخیص داده می‌شوند، دکتر رامیار بخش مستقلی را اختصاص داده و با همین عنوان «شناسایی آیه» به آن پرداخته است. اما دکتر حجتی در همان تعریف اصطلاحی آیه به این موضوع اشاره کرده است. نکته قابل ذکر آن است که هر دو مولف، نظر واحدی در این خصوص دارند و معتقدند آیات قرآن، توقیفی است.

در پایان این بخش، بیان این مطلب ضروری است که دکتر رامیار به نکته ای اشاره می‌کند که جا داشت دکتر حجتی نیز به آن اشاره می‌کرد و آن این است که گاهی هم از روی مجاز و توسع به قسمتی و یا به بیشتر از یک آیه نیز «آیه» اطلاق کرده‌اند. نمونه اطلاق آیه بر قسمتی از آیه قول ابن عباس است که گفت: امیدوارکننده ترین آیه در قرآن کریم (وَإِنْ رَبِّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ لِّلنَّاسِ عَلَىٰ ظُلْمِهِمْ) می‌باشد و حال آنکه این جمله به اتفاق، بعضی از آیه است و نمونه اطلاق آیه بر بیشتر از یک آیه قول ابن مسعود است که گفت: محکمترین آیه «فمن يعمل مثقال ذره خيراً يره و من يعمل مثقال ذره شراً يره» می‌باشد و می‌دانیم که این‌ها دو آیه است.^۳

علاوه بر آن دکتر رامیار، بحث نسبتاً مفصلی را به بسمله اختصاص داده و در خصوص اهمیت آیه «بسم الله الرحمن الرحيم» احادیث و روایات متعددی را می‌آورد و اینکه آیا بسمله در هر سوره قرآن، آیه مستقلی است یا خیر، بحث می‌کند.^۴ با وجود اهمیت موضوع، اما دکتر حجتی بخشی از کتاب خود را به این مهم اختصاص نداده است.

۸- بخش «نخستین آیه» در دو کتاب

دکتر رامیار، در ادامه مباحث خود به موضوع نخستین آیه می‌پردازد و همانگونه که بیان شد

۱. نک: رامیار، ۱۳۸۰: ۵۵۰.

۲. نک: حجتی، ۱۳۶۰: ۶۵.

۳. نک: رامیار، ۱۳۸۰: ۵۵۳.

۴. نک: رامیار، ۱۳۸۰: ۵۵۴.

دکتر حجتی آن را در فصل سوم با عنوان نزول قرآن کریم آورده است. دکتر رامیار، ابتدا درباره فایده شناسایی نخستین آیه و آخرین آیه مطلبی را آورده که جای خالی آن در کتاب دکتر حجتی حس می‌شود.^۱

در خصوص نخستین آیه نازل شده، هر دو مولف، نظر سیوطی را آورده و چهار قول را مطرح می‌نمایند. هر دو مولف معتقدند که نظر صحیح همان سوره علق و آیات ابتدایی آن است.

البته در این بخش، دکتر حجتی صرفاً به دلایل ترجیح قول اول می‌پردازد، اما دکتر رامیار به شکل تفصیلی دلایل طرفداران هر قول را مطرح کرده که از این نظر جایگاه برتری دارد.

۹- بخش «آخرین آیه» در دو کتاب

دکتر رامیار، در این خصوص، ده آیه را ذکر می‌کند که بر اساس کتاب مناهل العرفان زرقانی مرتب و چینش شده است. ایشان پس از ذکر ده آیه و قائلین به آن می‌نویسد: ده قولی را که درباره آخرین آیه نازل شده گفته‌اند دیدیم. روی هم رفته چنین می‌نماید که قول اول محکمترین آن‌ها بود.^۲ دکتر حجتی به هشت آیه اشاره کرده و به همان قول معتقد می‌شود.^۳ در نتیجه هر دو مولف نظر واحدی در خصوص آخرین آیه نازل شده دارند که ظاهراً متکی بر روایات وارد شده در این باب می‌باشد.

در ادامه این فصل، دکتر رامیار، بحثی را با عنوان نخستین آیه نازل شده در یک موضوع مطرح می‌نماید و درباره شراب، جهاد و خوراکی‌های حلال اولین آیات را می‌آورد و به تفصیل توضیح می‌دهد؛ اما دکتر حجتی به این موضوع نپرداخته است.

۱۰- بخش «شماره آیه‌ها» در دو کتاب

دکتر رامیار و دکتر حجتی هر دو به مکاتب مختلف کوفی، مکی، مدنی، بصری و شامی در خصوص عدد آیات اشاره می‌کنند، اما این دکتر حجتی است که ابتدا درباره هر یک از این مکاتب و اینکه منتسب به چه کسی است، سخن می‌گوید؛ اما دکتر رامیار، صرفاً به آن اشاره کرده و رد شده است.

۱. نک: رامیار، ۱۳۸۰: ۵۵۷.

۲. نک: رامیار، ۱۳۸۰: ۵۶۵.

۳. نک: حجتی، ۱۳۶۰: ۶۱.

دکتر حجتی در خصوص صحیح ترین عدد آیات قرآن می‌نویسد: صحیح ترین اعداد آیات قرآن که از لحاظ اسناد از دیگر روایات عالی‌تر است عدد کوفی است، زیرا این عدد از امیرالمومنین علی (علیه السلام) مأخوذ است و روایتی که از رسول اکرم (ص) نقل شده است آن را تأیید می‌نماید. مطابق حدیثی که از امیرالمومنین علی (علیه السلام) نقل شده است، رسول اکرم (ص) فرمود: مجموع آیات قرآن ۶۲۳۶ آیه است و بنابر این، عدد کوفی نسبت به سایر روایات و اعداد دیگر، به صواب نزدیک تر است.^۱

اما دکتر رامیار، نظر صریحی نداده است و صرفاً این قول را به عنوان قول اول آورده که شاید در نظر ایشان بهترین قول بوده است.

نکته دیگر آن است که دکتر حجتی، معتقد است تمام محققان و محدثان، اتفاق نظر دارند که کمترین عدد ذکر شده ۶۲۰۰ است و کمتر از آن وجود ندارد. اما دکتر رامیار از فهرست ابن ندیم از عطاء بن یسار قول ۶۱۷۰ را نقل می‌کند که نشان از تحقیق دقیق دکتر رامیار و تتبع جامع تر ایشان دارد.

۱۱- مقایسه بخش «شماره کلمات و حروف قرآن» در دو کتاب

دکتر رامیار، با عنوانی جداگانه در همین فصل و به اختصار به موضوع شماره کلمات و حروف قرآن پرداخته، اما دکتر حجتی فصل جداگانه ای با عنوان «تعداد حروف و کلمات قرآن» (فصل هفتم)، اختصاص داده است. دکتر حجتی، شماره حروف و کلمات ۱۱۴ سوره قرآن را آورده و حتی به موضوع محتوا و مطالب قرآن پرداخته است که ظاهراً در این بخش نباید به آن پرداخته می‌شد و ساختار نامناسبی را ایجاد کرده است (دکتر رامیار، شماره حروف و کلمات ۱۱۴ سوره را در بخش سوره آورده است).

نکته قابل توجه آن است که دکتر حجتی به موضوع اعجاز عددی قرآن نیز در همین بخش اشاره می‌کند.^۲ دکتر حجتی با نقل اعجاز عددی قرآن در واقع بر آن صحنه گذاشته است در حالیکه شایسته بود، به نقدهایی که متوجه این موضوع شده اشاره می‌نمود.^۳ شاید عدم اثبات و تأیید نهایی این نظر در دیدگاه دکتر رامیار موجب شده تا به آن نپردازد.

۱. نک: حجتی، ۱۳۶۰: ۷۲.

۲. نک: حجتی، ۱۳۶۰: ۱۵۱.

۳. نک: برای اطلاع از نقد این دیدگاه، رک: پهلوان، ۱۳۸۸: ۵۷.

۱۲- بخش «ترتیب سوره‌ها» در دو کتاب

هر دو مولف، درباره ترتیب سوره‌ها سه نظر را آورده‌اند، با این تفاوت که دکتر حجتی نظر سوم را نظر نگارنده (یعنی نظر خودش) می‌داند و به گونه ای آن را آورده که چنین برداشت می‌شود یک نظر اجتهادی از ایشان است، اما همانگونه که خود دکتر حجتی اشاره کرده‌اند این رأی سابقه دیرینه ای میان دانشمندان علوم قرآن دارد.

در اینجا به سه رأی و نظری که هر دو مولف آورده‌اند اشاره می‌شود:

- ۱- ترتیب و تنظیم سوره‌ها بدین کیفیتی که اکنون در قرآن می‌یابیم (توقیفی) نیست و وابسته به اجتهاد یاران پیامبر اکرم (ص) می‌باشد و آنان بودند که چنین نظم و ترتیبی را برقرار داشتند.
- ۲- دسته دیگر معتقدند که سوره‌ها همگی توقیفی بوده و ترتیب آن مانند ترتیب آیه‌ها منوط و وابسته به تعلیم رسول خدا (ص) بوده است و سوره ای در جایی قرار نگرفته مگر به فرمان او.
- ۳- گروه دیگری میان این دو عقیده جمع کرده و گفته‌اند: ترتیب پاره ای از سوره‌ها توقیفی است و تنظیم پاره ای دیگر به اجتهاد و نظر صحابه بوده است.

۱۳- بخش ملحقات دو کتاب

بی شک هر دو کتاب تاریخ قرآن دکتر رامیار و دکتر حجتی به دلیل ملحقاتی که در پایان آن دو وجود دارد از امتیاز و ویژگی خاصی برخوردار هستند. معرفی نمونه‌هایی از نسخه‌های کهن و نفیس قرآن در نقاط مختلف جهان در هر دو کتاب وجود دارد، به ویژه کتاب تاریخ قرآن دکتر حجتی از این نظر بسیار غنی است، ایشان در مجموع ۹۴ تصویر از نسخ مختلف نشان داده‌اند (البته تعداد ده تصویر مربوط به غیر قرآن است و برای سیر تحول خط عربی آورده شده است).

تاریخ قرآن دکتر رامیار دو ملحق دیگر نیز در پایان کتاب دارد که ویژگی بسیار مهمی برای آن محسوب می‌گردد. ملحق اول عبارت است از جدولی که به مقایسه ترتیب زمانی سوره‌ها بر مبنای قرآن‌های مرسوم و همچنین بر مبنای نزول ارائه شده است. ملحق دوم تاریخ قرآن دکتر رامیار، جدول تاریخی گاه شمار سیره رسول خدا (ص) و حوادث جهان است.

بی تردید در کتاب تاریخ قرآن این جدول می‌تواند مفید باشد و در فهم تاریخی حوادث مرتبط با نزول قرآن، اثرگذار واقع شود. به هر حال این جدول نیز از ویژگی‌های کتاب تاریخ قرآن دکتر رامیار است.

۱۴- نتیجه‌گیری

با مقایسه صورت گرفته در ساختار و محتوای دو کتاب تاریخ قرآن دکتر رامیار و تاریخ قرآن دکتر حجتی که نمودی از تحقیقات معاصر این حوزه به زبان فارسی است، این نتایج کلی بدست آمد:

- ۱- تاریخ قرآن دکتر حجتی در مواردی از تاریخ قرآن دکتر رامیار الگو گرفته است.
- ۲- معرفی مصاحف صحابه، ترجمه قرآن و سبب نزول آیات از موضوعات اختصاصی دکتر رامیار است که دکتر حجتی به آن نپرداخته است. دکتر حجتی نیز به دو موضوع حروف مقطعه و قرائت قرآن پرداخته که دکتر رامیار آن را نیاورده است. از سویی دیگر هیچکدام از دو مولف به موضوع تاریخ قرآن و مفهوم و تاریخچه آن نپرداخته و یا اینکه هیچکدام بحث کامل و مستقلی به موضوع مهم و تأثیرگذار ناسخ و منسوخ اختصاص نداده‌اند. موضوع مهم دیگری که جای خالی آن در هر دو کتاب دیده می‌شود بحث سیر و تاریخچه چاپ و نشر قرآن در کشورهای مختلف است.
- ۳- تاریخ قرآن دکتر رامیار از نظر استفاده از منابع از غنای بیشتری برخوردار است.
- ۴- تاریخ قرآن دکتر رامیار در بسیاری از موضوعات به تفصیل بیشتری پرداخته و مباحث تخصصی تری مطرح کرده است.
- ۵- نقل آراء مستشرقان در کتاب تاریخ قرآن دکتر رامیار و نقد آن به مراتب در تاریخ قرآن دکتر حجتی بیشتر آمده است. پاسخگویی به شبهات مستشرقین نیز از امتیازات کتاب تاریخ قرآن دکتر رامیار نسبت به تاریخ قرآن دکتر حجتی است.
- ۶- دقت در چاپ و کمتر بودن اغلاط مطبعی در کتاب دکتر رامیار بیشتر به چشم می‌خورد.
- ۷- دکتر رامیار نسبت به دکتر حجتی اظهار نظر و جمع بندی بیشتری پس از نقل آراء کرده؛ اما دکتر حجتی در مواردی تنها به نقل آراء بسنده کرده است.
- ۸- بخش ملحقات و جداول کتاب تاریخ قرآن دکتر رامیار نیز از ویژگی‌های این کتاب است.
- ۹- نسخه شناسی قرآن‌های خطی در جهان در کتاب تاریخ قرآن دکتر حجتی از غنای بیشتری برخوردار است و همچنین توجه به سیر تکامل خط عربی و موضوع مهم قرائات در این کتاب با تفصیل بیشتری آمده است.

کتاب‌نامه

۱. قرآن کریم.
۲. آرام، احمد (۱۳۵۱)، «نامه انتقاد و تقدیر»، نشریه دانشکده الهیات مشهد، صص ۲۲۵-۲۳۰.
۳. ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۹۳ ق)، الفهرست، تهران: مروی.
۴. بخاری، حافظ ابوعبدالله محمد بن اسماعیل (۱۳۸۶)، صحیح البخاری، مترجم عبد العلی نور احراری، چاپ اول، تربت جام: نشر شیخ الاسلام.
۵. بروکلمان، کارل (۱۴۲۹)، تاریخ الادب العربی، ترجمه عبدالحلیم النجار، قم: دارالکتاب الاسلامی.
۶. بل، ریچارد (۱۳۸۲)، درآمدی بر تاریخ قرآن، بازنگری مونگمری وات، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، قم: مرکز ترجمه قرآن به زبان‌های خارجی.
۷. بلاشر، رژی (۱۳۷۲)، درآمدی بر قرآن، ترجمه اسدالله مبشری، تهران: نشر ارغنون.
۸. بلاشر، رژی (۱۳۷۶)، درآستانه قرآن، ترجمه محمود رامیار، تهران: فرهنگ اسلامی.
۹. پهلوان، منصور؛ شفیعی، سعید (۱۳۸۸)، «ارزیابی و نقد نظریه اعجاز عددی قرآن»، پژوهش‌های قرآن و حدیث، دوره ۴۲، صص ۵۷-۷۶.
۱۰. جمعی از نویسندگان، دایره المعارف قرآن کریم (۱۳۸۲)، مدخل تاریخ قرآن، مرکز فرهنگ و معارف قرآن، قم: مرکز فرهنگ و معارف قرآن.
۱۱. حجتی، محمد باقر (۱۳۶۰)، پژوهشی در تاریخ قرآن، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۲. خوبی، ابوالقاسم (۱۴۱۲)، البیان فی تفسیرالقرآن، چاپ ششم، بیروت: دار الزهد.
۱۳. دراز، عبدالله (۱۹۷۱)، مدخل الی القرآن الکریم، کویت: دارلقرآن.
۱۴. رامیار، محمود (۱۳۸۰)، تاریخ قرآن، تهران: موسسه انتشارات امیر کبیر.
۱۵. زنجانی، ابو عبدالله (۱۴۰۴)، تاریخ القرآن، تهران: نشر منظمه الإعلام الإسلامی.
۱۶. سیوطی، جلال الدین (۲۰۰۰ م)، الاتقان فی علوم القرآن، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۷. شاهین، عبدالصبور (۱۳۸۲)، تاریخ قرآن، ترجمه حامد یزدی ثانی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۱۸. صالح، صبحی (۱۹۷۷ م)، مباحث فی علوم القرآن، چاپ نهم، بیروت: دارالعلم الملایین.
۱۹. صغیر، محمد حسین (۱۴۲۰)، المستشرقون و الدراسات القرآنیه، بیروت: دارالمورخ العربی.

۲۰. طباطبایی، سید کاظم (۱۳۸۳). «جست و جو در احوال و آثار شادروان محمود رامیار»، فصلنامه مطالعات اسلامی، شماره ۵۶، صص ۱۳۳-۱۵۳.
۲۱. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴)، *المیزان*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۲. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴)، *الجامع الاحکام القرآن*، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۲۳. مهدوی راد، محمد علی (۱۳۸۴)، *سیر نگارش های علوم قرآنی*، تهران: هستی نما.
۲۴. نلدکه، تئودور (۲۰۰۰ م)، *تاریخ قرآن*، ترجمه و کوشش جورج تامر، بیروت: دارالنشر جورج المز